

انواع حقوق

آشنایی مقدماتی با حقوق

احمد مختاریان

تصویرگر: میثم موسوی



است؛ یعنی زندگی در این منزل امتیازی است که در اختیار من قرار داده شده است.

۵ انصاف و عدل؛ مانند اینکه می‌گویند این کار حق است؛ یعنی بر انصاف و عدل استوار است.

۶ سهم، نصیب و حظ؛ مانند اینکه کسی می‌گوید حق مرا بدهید؛ یعنی سهم مرا بدهید.

۷ ضداصل و آنچه دارای هدف است؛ مانند اینکه بگوییم خداوند جهان را بر اساس حق آفرید؛ یعنی جهان را باطل نیافرید و در آفرینش آن هدفی وجود دارد.

۸ وظیفه؛ مانند حق معلم بر شاگرد؛ یعنی وظیفه دانش‌آموز در مقابل آموزگار.

هرگاه مردم کلمه «حقوق» را در محاورات خود به کار ببرند، منظورشان «دستمزد» است. پس مردم واژه «حقوق» را به‌عنوان یک واژه مفرد - نه جمع - به کار می‌برند. مانند اینکه می‌پرسند حقوق شما چقدر است؟ یعنی دستمزدتان چقدر است؟

هر چند امروزه مردم از واژه «حقوق» اراده مفرد دارند، اما این کلمه در اصل جمع است، چراکه حقوق در این معنا مجموعه‌ای از پول‌هایی است که به‌صورت یکپارچه به فرد داده می‌شود، یعنی مثلاً جمع دستمزد پایه و مبلغ مربوط به مسکن و مبلغ مربوط به ایاب و ذهاب و... این جزئیات در فیش حقوقی دیده می‌شود.^۱

در شماره قبل گفته شد که یکی از اهداف آشنایی با حقوق (سواد حقوقی) درک صحیح قانون است که باعث می‌شود فهم بهتری از قانون داشته باشیم و در نتیجه رفتارهای خود را تصحیح کنیم. آگاهی از اصطلاحات و انواع حقوق یکی از پیش‌نیازهای فهم بهتر قانون و حقوق است. در نوشتار زیر با واژه‌ها، اصطلاحات و رشته‌های مختلف حقوقی آشنایی شویم.

تعریف معانی لغوی حقوق

واژه حقوق در زبان فارسی معانی متعددی دارد. نکته مهم این است که هر چند واژه حقوق از نظر ادبی جمع کلمه حق است، اما غالباً میان معنای مفرد آن (حق) با معنای جمع آن (حقوق) تفاوت وجود دارد. معنای حق را به‌طور مختصر می‌آوریم: ۱ وجود داشتن، واقعیت داشتن؛ مانند اینکه گفته شود بهشت حق است؛ یعنی بهشت وجود دارد، بهشت واقعیت دارد.

۲ لیاقت داشتن؛ مانند اینکه به کسی گفته شود رفتاری که نسبت به تو انجام شد، حق تو بود؛ یعنی تو سزاوار آن رفتار بودی.

۳ درست و راست؛ مانند اینکه بگوییم این سخن حق است؛ یعنی درست است.

۴ امتیازی که در اختیار فرد قرار داده شده است؛ مانند اینکه گفته شود زندگی در این خانه حق من

حقوق را می‌توان آشنایی با قانون و کشف منظور و مقصود قانونگذار دانست تا از رهگذر آن، فرد رفتارهای خود را بر آن استوار کند و در نهایت به فایده‌های قانون دست یابد

تعریف اصطلاحی حقوق

دانشمندان حقوق تعریف‌های گوناگونی را برای «حقوق» بیان کرده‌اند که وجود تفاوت در دیدگاه‌ها، منشأ تفاوت در این تعریف‌هاست. برخی از تعریف‌ها با این دیدگاه بیان شده‌اند که حقوق «علم و شناخت» است، برخی با این نگاه که حقوق «نامی دیگر برای قانون» است و برخی نیز با این نگاه که حقوق «مجموعه‌ای از امتیازات» است.^۱ نمونه‌ای از هر دیدگاه را می‌آوریم.

زندگی و صیانت آزادی‌های انسانی است (نوربها، ۱۳۹۰: پیش‌گفتار).

مجموعه قواعدی است که بر اشخاص - از این جهت که در اجتماع هستند - حکومت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۳).

قدرت فرد انسان مطابق قانون بر انسان یا مال یا هر دو است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۳).

برای آسان کردن درک معنای اصطلاحی حقوق می‌توان حقوق را آشنایی با قانون و کشف منظور و مقصود قانونگذار دانست تا از رهگذر آن، فرد رفتارهای خود را بر آن استوار کند و در نهایت به فایده‌های قانون دست یابد.

رشته‌ها و شاخه‌های حقوق

حقوقدانان رشته‌ها و شاخه‌ها و تقسیمات متعددی را برای حقوق بیان کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱ حقوق داخلی: به آن حقوق ملی نیز گفته می‌شود. این رشته از حقوق به بحث درباره قوانین داخلی کشور و تفسیر آن‌ها می‌پردازد و خود به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

الف. حقوق داخلی عمومی: حقوق داخلی عمومی مجموعه مقرراتی است که یک طرف آن دولت است. مانند روابط دولت با مردم یا روابط دولت با سازمان‌های داخلی. مهم‌ترین شاخه‌های آن عبارت‌اند از:

حقوق اساسی: مجموعه مقرراتی که شکل حکومت، سازمان‌های دولتی و حدود اختیارات و وظایف آن‌ها را معین می‌کند. منبع اصلی حقوق اساسی هر کشور، قانون اساسی آن کشور است. برای مثال، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تعیین ساختار حکومت ایران و قوای اصلی کشور و نهادهای بنیادین آن پرداخته و وظایف و اختیارات هر یک را مشخص کرده است.

حقوق اداری: مجموعه مقرراتی که طرز اعمال خدمات عمومی در قلمرو کشور را معین می‌کند. در این حقوق روابط حاکم بر کارکنان دولت بررسی می‌شود. منبع اصلی حقوق اداری، قانون استخدام

کشوری و نیز قانون مدیریت و خدمات کشوری است. حقوق کار: مجموعه مقرراتی که بر روابط کارفرما و کارگر حاکم است. اصلی‌ترین منبع آن، قانون کار و قانون تأمین اجتماعی است.

حقوق کیفری: مجموعه مقرراتی که جرائم را مشخص و مجازات مرتکبان را نیز معین می‌کند. منبع اصلی آن، قانون مجازات اسلامی است.

آیین دادرسی (کیفری یا مدنی): مجموعه مقرراتی که چگونگی رسیدگی به دعاوی و مراحل آن را معین می‌کند. منبع اصلی آن، قانون آیین دادرسی کیفری و نیز قانون آیین دادرسی مدنی است.

حقوق داخلی خصوصی: به مجموعه مقرراتی که بر روابط میان افراد یک کشور حاکم است و هر دو طرف آن مردم هستند حقوق داخلی خصوصی گفته می‌شود و مهم‌ترین شاخه‌های آن عبارت‌اند از:

حقوق مدنی: مجموعه مقرراتی که بر روابط زندگی روزمره مردم حاکم است. مهم‌ترین منبع آن قانون مدنی است.

حقوق تجارت: مجموعه مقرراتی که بر روابط میان تجار حاکم است. مهم‌ترین منبع آن قانون تجارت است.

حقوق خارجی یا بین‌المللی: مجموعه

مقرراتی که روابط میان دولت‌ها و نیز اتباع دولت‌های مختلف را تنظیم می‌کند. این رشته خود به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

الف. حقوق بین‌الملل عمومی: مجموعه مقرراتی که روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را تنظیم می‌کند. مهم‌ترین منبع آن معاهدات بین‌المللی است.

ب. حقوق بین‌الملل خصوصی: مجموعه مقرراتی که درباره اتباع دولت‌ها از جنبه بین‌المللی بحث می‌کند. مهم‌ترین منبع آن قوانین داخلی کشورهاست.

گاهی حقوق را به دو شاخه فردی، و اجتماعی یا عمومی تقسیم می‌کنند. حقوق فردی به شخص معینی مربوط است، ولی حقوق اجتماعی متعلق به جامعه است و به فرد خاصی اختصاص ندارد.

مهم‌ترین منابعی که خوانندگان گرامی می‌توانند برای دریافت اطلاعاتی کلی از حقوق، به آن‌ها مراجعه کنند، معرفی می‌شوند (به ترتیب نام الفبایی مؤلفان):

- دکتر جعفری‌لنگرودی؛ مقدمه عمومی علم حقوق
- دکتر حیاتی؛ مقدمه علم حقوق
- دکتر کاتوزیان؛ مقدمه علم حقوق
- دکتر مدنی؛ مبانی و کلیات علم حقوق

* بی‌نوشت

- در زبان‌های دیگر مانند عربی و انگلیسی، معادل‌هایی برای هر یک از معانی «حق» وجود دارد که متناسب با منظور گوینده از آن‌ها استفاده می‌شود، مانند «اجرت»، «هدف»، «قسط» در عربی و واژه‌هایی همچون salary, just, share, right در انگلیسی.
- البته دیدگاه‌های دیگری نیز مطرح است که برای جلوگیری از طولانی شدن نوشتار از ذکر آن‌ها صرف‌نظر شد. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب‌های تخصصی مراجعه کنند.

* منابع

- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. کتابخانه گنج‌دانش. چاپ سی‌ویکم، ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق. شرکت سهامی انتشار. چاپ سی‌وهشتم، ۱۳۸۲.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر. مقدمه عمومی علم حقوق. کتابخانه گنج‌دانش. چاپ یازدهم، ۱۳۸۷.